

## بد خلقی !

« اکثر ما تلج به امتی الجنة تقوی الله وحسن الخلق ،  
بیشتر چیزی که پروان مرا به بهشت میبرد ترس از  
خدا وحسن خلق است .  
« پیغمبر اسلام ص »

ارزش دوستی و محبت  
بد خلقی تولید انزجار میکند  
پیامبر اسلام سر مشق میدهد



دوست داشتن یکی از نیازهای طبیعی وجود بشر است ، بر اساس همین واقعیت قطعی يك نیروی نهانی اورا بعلاقه و دلبستگی نسبت بدیگران وامیدارد ؛ علیه این تمایل که يك حس طبیعی است نمیتوان مبارزه کرد ، ولذا باید این نیازمندی ارضاشود ، و هر کس با گروهی از هموعان روابط دوستانه برقرار ساخته و از انس و الفت آنها استفاده کند .

دوستی منبع آرامش و یکی از بهترین لذات روحی است که پس از تجلی بمرور زمان قوت میگیرد و تکامل میپذیرد ، در این دنیای پهناور چیزی گرانیهتر از آن نمیتوان یافت .

رنج بیدوستی و تنهایی یکی از دشوارترین مصائب است ، اگر رفته مودت ، روان ما را بکسی پیوند نداد و هیچکس روح ما در پناه خود نپذیرفت دستخوش اضطراب و آشفتگی میشویم ، و دنیای وجودمان پریشان و تاریک میگردد . دانشمندی میگوید : « راز سعادت در این است که روابط ما با دنیای خارج دوستانه نباشد نه خصمانه ، کسیکه قادر نیست افراد و طبیعت را دوست خود بداند هرگز قادر نخواهد بود زندگی خالی از اضطرابی داشته باشد » ۱

مناسباتی که به بهترین وجهی جامعه را بهم پیوند میدهد متکی بر اصول « سمیمیت و مهر و

عاطفه است ، تمایل دوروح است که درحساسترین عوالم هماهنگی و محبت درهم می آمیزند ، و از این رهگذر پایه دوستی سعادت بخش و پررونقی گذارده میشود . برای آنکه رشته مودت تزلزل- ناپذیر بماند باید شخص اساس بیگانگی را ویران ساخته ، و بصمیمیتی که دیگران میطلبند پاسخ مثبت دهد ؛ ارزنده ترین دوستی ها ، دوستی مستقل از منافع شخصی است ، که باشور و احساسات همراه باشد و بتواند روح افسرده و نیازمند بمهر و گرمی انسان را راضی سازد ؛ کسیکه چهره باصفای دوستی بخود میگیرد باید در هیچ شرائطی پیوند مودتش سستی نپذیرد بلکه در دشواریها و هجوم رنجهای زندگی تیرگیهارا از قلب دوست خود بزدايد ، و نهال امید و اطمینان را در گلزار دلش آبیاری کند .

اگر معاشرت و آمیزش بدون علاقه و جاذبه صورت بگیرد و نتیجه طبیعی بیگانگی و رابطه عمیق قلبی نباشد سرچشمه تلخکامی و عذاب است . وقتی کابوس و حشترای تظاهر و ریا بر کانون دلها سایه افکند و ظاهر سازی با همه زیانهایش زندگی افراد را بزیر سیطره خویش کشید ؛ تملق و مداهنه بخاطر منافع مادی جای راستی و صداقت را میگیرد ، و فرشته صمیمیت و دوستی واقعی در ویرانه آلود گیهای اجتماع قربانی میشود ؛ در چنین شرائطی همدردی و همزیستی که محصول عواطف است ضعیف خواهد شد و امکان هر گونه همکاری که لازمه صمیمیت واقعی است سلب میگردد . در طی معاشرت با افرادی روپرو شده اید که اعماق قلبشان از مهر و عاطفه خالی است ؛ ولی در لباس ریاکاری و زیر نقاب دوستی خود را پنهان میسازند ؛ اغلب میتوانید بعیب عاطفی و چهره واقعی آنها پی ببرید ، و بالاخره توجه شما نقابی را که بچهره افکنده اند خواهد درید . یکی از شرائط سعادت و وسیله تربیت روح رفاقت صمیمانه با نیکان است .

انسان در پر تو معاشرت با آنها ، افکارش پرورش می یابد ، و روحش از محیط عادی اوج گرفته در فضای تقوی و فضیلت بال خواهد گشود . در انتخاب دوست باید مطالعه کافی کرد ؛ با کسیکه بپاکی و فضیلتش اعتمادی نیست طرح دوستی ریختن اشتباه است ، زیرا انسان طوری ساخته شده که بتدریج بکنوع هماهنگی و پیوستگی با احوال روحی معاشرینش پیدا میکند ، و نفوذ اخلاق آنها ممکن است کاخ سعادتش را درهم فروریزد .

### بد خلقی تو لید از جار میکند

پاره ای از معایب اخلاقی و عادات نامطلوب سبب تزلزل اساس دوستی میگردد و بگسیختگی رشته مودت منجر میشود ؛ کسیکه اخلاقش نامأنوس و طبعش بگرفتگی و خشونت تمایل مخصوص دارد ، میان خود و دیگران دیواری بوجود میآورد که ممکن نیست بتواند با پر تو درخشان مودت

روبرو شود «سوء خلق» از ارزش انسان میکاهد ، و بپایه سعادت آدمی لطمه میزند .  
جای انکار نیست که هر کس از آمیزش با افراد بدخلق بسختی متنفر و گریزان است و از  
مصاحبت بایک فرد غیراً نوس و نامتناسب شدت رنج میکشد ؛ قهر آچنین فردی همه امکانات و  
موقعیتها را از خود دور میسازد ؛ و توانائی جلب نیروها نمیکند که ممکن است در ترقی و پیشرفت او مؤثر  
واقع شوند ؛ از دست خواهد داد .

درفن معاشرت و قوف و آشنائی بشرائطی لازم است ، که میبایست قبلاً آموخت ، و آنگاه  
بر طبق آن رفتار کرد ، و از اموری که با سنن و اخلاق صحیح جامعه میبایست داشتند باشد خودداری  
نمود ، زیرا بدون آن استفاده کامل از اجتماع تحقق نیافته ؛ و اخلاق عمومی صورت کمال نخواهد  
پذیرفت . برای کامیابی در معاشرت «حسن خلق» نخستین شرط است ؛ این صفت که عامل  
گیرندگی و جذابیت است بیالابردن شخصیت انسان کمک میکند ، و همه نیروهای حیاتی شخص را  
بفعالیت و امیدارد ، و در اداره زندگیها و اجتماعات تاثیر فراوانی دارد . هیچ صفتی نمیتواند  
باندازه آن عواطف دیگران را برانگیزد ، و از رنجهای زندگی بکاهد .

سببیکه از این روحیه ممتاز انسانی برخوردار است ، هرگز روئی نشان نمیدهد که دیگران  
بناراحتیهایش پی ببرند ، بلکه سعی میکند همواره در اطراف خود نشاط و مسرت بوجود بیاورد تا  
سایرین از پر تو وجود گرم و اطمینان بخش او گرفتاریهای شخصی را فراموش کنند ، علیرغم  
مشکلات و دشواریهای حیاتی خو سردی خود را حفظ کرده ، و شرائط نامساعد محیط را در  
هم می شکنند .

حسن خلق نیرومندترین عاملی است که در تأمین موفقیت شخصی اثر قطعی دارد . مثلاً  
پیشرفت يك مرکز معاملاتی بنسبت وسیعی وابسته بحسن خلق گردانندگان آن است .  
متصدی يك مؤسسه وقتی دارای اخلاق خوب باشد در عین حال که خود شخصاً بقدر کافی از  
نشاط بهره میگیرد ، منطقه نفوذ وسیعی در سایه این حسن خلق بدست آورده و ارباب رجوع را  
مجدوب و فریفته خویش میسازد و بقول حافظ شیرازی :

بحسن خلق توان کرد صید اهل نظر \* بدام ودانه بگیرند مرغ دانارا !

کسی نیست که تأثیر این صفت راحتی در رام کردن دل دشمنان منکر باشد ، يك گفتار  
محبت آمیز تاثير سحر آسائی در دیگران دارد ، و ادب و احترامی که در مکالمه بخرج داده  
میشود مسلماً در تسلیم دشمن نقش مهمی ایفاء میکند .

یکی از نویسندگان غربی میگوید : « همه درها بروی شخص خوش خلق باز است ، ولی  
اشخاص بدخلق برای ورود بجائی مجبورند بدر بسته فشار بیاورند ، بهترین کارها آن کارهائی

است که با ادب و نزاکت و خوش خلقی انجام شده است « ۱ وقتی خوشروئی موجب سعادت مندی و کمال است که از صمیم قلب باشد و از هر پیرایه و تظاهر و ریادور بما ندیعنی حسن ملاطفت و مهر بانی از اعماق روح بجوشد .

### پیامبر اسلام سرمشق میدهد

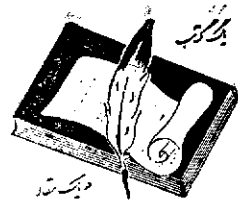
همه میدانیم یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت اسلام «حسن خلق» و رفتار پسندیده پیغمبر اکرم (ص) بود. همانطور که خداوند متعال بسط و گسترش اسلام را با اخلاق نیکوی پیغمبر نسبت میدهد : « **ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك** - اگر تو مردی تند و خشن بودی مردم از پیرامونت پراکنده میشدند (آل عمران آیه ۱۵۹) رسول خدا آغوش محبت بار خود را بروی عموم میگشود ، در سیمای ملکوتی و جذایش پیوسته محبت و مهری عمیق و وصف ناشدنی متجلی بود ، و همه مسلمانان را یکسان مشمول لطف و عنایت قرار میداد . **كان رسول الله (ص) يقسم لحظاته بين اصحابه ينظر الى ذا وينظر الى ذابالسوية** : « پیغمبر اکرم نظر مودت آمیز خود را در مجالس عمومی یکسان توجه همه حضار میفرمود » (۱) پیشوای بزرگ اسلام اینچنین از سوء خلق نکوهش میکند : **سوء الخلق شؤم و شر اكرم اسوء کم خلقاً** - « بد خوئی شوم است و بدترین شما بد اخلاق ترین شماست » !

در جای دیگر میفرماید : **يا بنی عبدالمطلب انکم لم تسعوا الناس باموالکم فالتقوهم بطلاقة الوجه وحسن البشر (۲)** « ای فرزندان عبدالمطلب شما با ثروت خود هرگز نمیتوانید مردم را راضی کنید پس با روئی گشاده و اخلاق نیکو آنها را راضی نمائید » (۳) امام صادق (ع) میفرماید : « پروردگاره بندگان خود در برابر حسن خلق ثواب جنگجوی در راه خدا را میدهد ! (۴) »

کسیکه چراغ عقل و خرد را هبر زندگی اوست و میخواهد با شرافتمندی زندگی نماید ، باید در صدد تحصیل این سرمایه گرانبهای معنوی برآید برای شکست دادن يك صفت ناپسند نیروی اراده بزرگی لازم است که روی هدف متمرکز شود ، توجه بزبانهائیکه از ناحیه سوء خلق دامنگیر شخص میشود ، کافی است که عقل او را بمبارزه علیه آن وادار سازد .

(۱) نقل از کتاب روضه کافی صفحه ۲۶۸ . (۲) نهج الفصاحه صفحه ۲۷۱ .

(۳ و ۴) وسائل الشیعه جلد ۲ ص ۲۲۲ .



## خدا و عقل

این مقاله ترجمه و تلخیص کتابی است بنام «الله و العقل» ، این کتاب که چهار مرتبه در بیروت بیچاپ رسیده در ۹۵ صفحه بزبان عربی نگارش یافته است . این کتاب نفیس بقلم توانای دانشمند معظم جناب آقای محمد جواد مغنیه رئیس محکمه شرعی بیروت در سال ۱۹۵۹ میلادی برشته تحریر درآمده و غرض اصلی نویسنده از این نگارش ، جواب دادن بنوشته های مسموم کننده نویسنده جوان مصری بنام «محمود مصطفی» میباشد . محمود مصطفی در کتاب خود «الله والانسان» که آنرا در سال ۱۹۵۷ میلادی در مصر انتشار داده است بمقتضای فکر محدود و مادی خود آفریدگار جهان را انکار کرده است در این مقاله مطالب زیر را مطالعه می فرمائید :

۱- راه خداشناسی - بمتخصص هر علم ورشته ای باید مراجعه کرد  
- پس خدا را کی خلق کرده ؟ آیا طبیعت خالق موجودات است ؟  
آیا ایمان بخدا مخلوق فکر آدمی است ؟ - آیا آفریدگار جهان مکانی دارد ؟ - آیا خداوند قابل رؤیت است ؟ -

### راه خداشناسی :

این حقیقت مسلم است که تمام صورتهایی که از وجودات مادی و غیرمادی بوسیله الهام ، تخیل ، تقلید ، نقل از کسی یا استنتاجات عقلی و یا تجربه شخصی و مشاهدات حسی در ذهن انسان نقش می بندد ، مطابق واقع نبوده و بعضی از آنها حقیقت داشته و برخی از قبیل اوهام و

خیالات بی اساس میباشند و از این جهت نمیتوان ادعا کرد که تمام تصورات ذهنی ما از جمله حقایق هستند و یا از قبیل اوهام و خیالات واهی میباشند .

و در اینکه چه نوع از تصورات ذهنی ما حقیقت داشته مطابق با واقع است میان دانشمندان مورد اختلاف است ؛ دانشمندان مادی که منکر عالم ماوراء طبیعت می باشند و یگانه راه شناسائی حقایق جهان را حواس پنجگانه و با تجربه و آزمایش میدانند صورتی را که از طریق غیر حواس و تجربه در ذهن حاصل شده اند ، از قبیل اوهام و خرافات میدانند .

در اینجا تذکر این نکته لازمست که اگر میزان وجهه حقایق را در خارج ، این بدانیم که هر چه ما حس میکنیم وجود خارجی دارد و هر چه را که ما حس نمی کنیم از جمله اوهام و خیالات است لازمست که حتی بحواس ظاهری نیز که مادیها آن را تنها راه شناسائی حقایق میدانند اطمینانی نداشته باشیم زیرا : **اول** حواس ما نیز بتصدیق خود دانشمندان مادی دچار اشتباهات کثیری میشود پس از کجا می توان حقایق را از خیالات و اشتباهات تمیز داد ؟

**ثانیاً** ادراکات حواس ما نسبت بحالات مختلف افراد ، مختلف بوده ، محدود و محدودی میباشد ، بعضی از افراد با حواس خود درک حقیقتی نائل می آیند و برخی هان نمیتوانند آن حقیقت را با حواس محدود خود درک کنند چنانکه اینشتین عقیده داشت : « کوچکترین خط ، خط منحنی است و نور در خط منحنی سیر می نماید » ولی تجربیات و مطالعات بعدی دانشمندان ثابت کرد که کوچکترین خط ، خط مستقیم بوده ، نور در امتداد خط مستقیم سیر می نماید .

با این وصف آیا صحیح است بگوئیم که آن حقیقت را چون بعضی از افراد آنرا درک نکرده ، وجود ندارد و یا آن که درک شده صورت خیالی بوده و حواس درک کننده دچار اشتباه شده است ؟

**ثالثاً** تجربه و مشاهده و آزمایش با اینکه از طرق کشف حقایق بشمار میروند ولی دایره شناسائی حقایق بوسیله آنها محدود می باشد و فقط در موارد خاصی جریان دارد . از آنچه گفته شد بخوبی روشن میگردد که طریق مطالعه حقایق عالم منحصر بحواس پنجگانه و تجربه و آزمایش نبوده بلکه عقل نیز در روشن ساختن حقایق و استنتاجات علمی طریق مؤثری بوده و یگانه راه حل مشکلات و شناسائی مسائل مربوط به عالم غیر مادی عقل میباشد .

از اینرو شناسائی آفریدگار جهان و خالق موجودات تنها بوسیله عقل امکان پذیر است و تجربه و آزمایش در موجودات عالم مادی و کشف اسرار آنها بانسان این قدرت را میدهد که بوسیله تعقل در آنها پی بوجودی ببرد که صاحب اراده و قدرت و حیات و... است .

### بمختص هر علم ورشته‌ای باید مراجعه کرد

در اثر تحقیقات پی گیر علماء و دانشمندان در عصر حاضر دایرة علوم و صنایع توسعه پیدا کرده و رموز زیادی از شگفت‌های جهان آفرینش برای بشر آشکار گردیده ، و حتی هر مسأله از يك علمى نیز خود بمنزله علم مستقلی شده است ؛ از اینرو تسلط بك فرد بر جمیع مسائل تمام علوم بسیار مشکل بلکه می شود گفت غیر ممکن شده است .

با این وصف آیا صحیح است که از دانشمندی که متخصص در علمى از علوم یا مسأله‌ای از يك علم است و فکر و فعالیتش دائماً در اطراف آن علم یا آن مسأله متمرکز است انتظار آنرا داشته باشیم در سایر علوم که اطلاعات عمیقی در آنها نداشته اظهار نظر قطعی کند ؟!

و همین اظهار نظرهای غروردار ، در مسائل علمى و سیاسى و اقتصادى و دینی است که نابسامانیهای فوق العاده را در شئون مختلف اجتماع ما ایجاد کرده و موجب اختلافات دامنه داری شده است . از این جهت صحیح نیست افرادی که اطلاعاتی در مسائل مربوط به عالم ماوراء طبیعت ندارند و یا اطلاعات ناقصی در امور دینی دارند ، در مسائل دینی و عقیده‌ای اظهار نظر عجولانه کنند .

وظیفه این نوع افراد این است که سوالات و مشکلات دینی خود را از اشخاص صلاحیت‌دار و متخصص در علوم اسلامی بپرسند و هیچوقت بخود این حق را ندهند که بمجرد اینکه يك مسأله دینی را با ظاهر علم بگمان خود مخالف دیدند منکر آن شوند و یا کسانی که فقط چند کتاب دینی را مطالعه کردند و یا مطالب گنگ و مبهمی را از دیگران شنیدند ، در نفی و اثبات مسائل دینی رأی موافق و مخالف بدهند .

### اشکالات

مطالعه و تحقیق در اسرار موجودات و حالات مختلف و دقائق و عجایب شگفت‌انگیز آنها هر عاقلی را متوجه می کند که در ماوراء این عالم موجودی عالم ، قادر ؛ مرید و مدبر وجود دارد که تمام موجودات را او خلق کرده است .

خداوند نیز در قرآن مجید خود در اکثر آیات آن در مقام اثبات وجود و عظمت خود شیفتگان راه حقیقت را بمطالعه در اسرار کون و دقت و تفکر در عجایب موجودات دعوت فرموده و پیامبران عظام را برای هدایت و راهنمایی مردم روی زمین و تأمین سعادت ابدی آنها و شناسایی خدای جهان بسوی بشر فرستاده است .

ولی بعضی از افراد مجادل که تحت تأثیر تمایلات نفسانی و مشاهدات ابتدائی و عادات

مستمر و تقلید از پدران و خویشان و دوستان خود قرار گرفته اند، در وجود موجودی عالم و قادر و حی یوسوسه افتاده و یادر تطبیق آن راه خطا پیموده اند. اینک در زیر باوهای چند که مانع توجه آنها بخالق جهان شده است اشاره میکنیم :

### ۱ - پس خدا را کی خلق کرده ؟!

برخی از معاندین در مقام نفی وجود باری تعالی توهم کودکانه ای کرده میگویند : اگر خدا خالق تمام موجودات باشد پس خدا را کی خلق کرد ؟ !  
این سؤال از اینجائناشی شده است که آنها خیال میکنند برای هر موجودی در سلسله موجودات موجودی غیر از خودش لازمست و نمیشود در عالم وجود، وجودی فرض کرد که وجود او از خودش باشد و احتیاجی بموجودی نداشته باشد .

در جواب این توهم بی اساس باید گفت : خدائی که نظام دقیق عالم آفرینش را با وضع اعجاب آمیزی ایجاد کرده ، احتیاجی بموجود و خالقی ندارد یعنی وجود او ذاتی او بوده و از خودش میباشد ، و اگر فرض کنیم وجود او نیز ذاتی نبوده و احتیاج بآفریننده دیگری دارد ، در اینصورت لازمی آید در عالم وجود اساساً موجودی تحقق پیدا نکند زیرا ، وجودی که موجود دیگری آنرا ایجاد میکند وجودش از خودش نبوده و آنرا از موجود دیگری گرفته است که جنبه علیت بر آن دارد ؛ و کلام را در این موجود سابق منتقل کرده میگوئیم که وجود او نیز بنا بر فرض کلام ؛ از خودش نبوده لابد علتی دارد و بدین ترتیب در میان تمام موجودات اگر موجود بالذاتی وجود نداشته باشد که سرچشمه هستی موجودات باشد هیچ موجودی در عالم آفرینش وجود پیدا نمیکرد .

### آیا طبیعت خالق موجودات است ؟!

بعضی از منکرین خالق جهان میگویند که طبیعت را خالق قدیم نیست و در جواب این سؤال : پس طبیعت را کی خلق کرده ؟ میگویند : طبیعت در ذات خود شامل علتی است که آنرا خلق کرده و علتی خارج از وجود خود ندارد .  
از این خیال واهی بچند طریق جواب میدهم :

- ۱ - طبیعت بی شعور ، و بدون عقل و بدون حس و تدبیر چگونه می تواند این نظام شگفت انگیز را که حکایت از یک خالق دانا ، مرید و مدبر میکند خلق کند ؟ !
- ۲ - این حقیقت در اثر تحقیقات دامنه دار علماء طبیعی ثابت شده که اجسام مادی در اثر عوامل داخلی و خارجی دستخوش تغییرات مختلفی گشته و از وزن و طول و عرض و عمق آنها



کاسته می‌گردد ، همین تحقیقات بطلان این توهم بی‌اساس را ثابت می‌کند زیرا اگر وجود برای طبیعت متغیر ، ذاتی بوده و خالق خود سوا بر موجودات جهان آفرینش باشد ، دیگر ممکن نیست که زوال و یا تغییر و تبدلی در آن راه یابد ، از اینجهت است که فلاسفه گفته‌اند : « هر موجودی که وجودش از خودش باشد تغییر پذیر نیست » .

۲ - چگونه ممکن است طبیعت خالق خودش باشد در حالیکه انسان با نیروی علم و وسایل محیر العقول کنونی تا حدودی بر قوای طبیعت مسلط شده است ؟ آیا صحیح است که انسان مسلط بر آفریدگار جهان بوده و بر آن حاکمیت داشته باشد ؟

### آیا ایمان بخدا مخلوق فکر آدمی است ؟!

یکی دیگر از سخنان سست کسانیکه خالق عالم را منکر هستند این است که وجود آفریدگار عالم تصویری بیش نبوده و غیر از پندار و خیال صرف ، چیز دیگری نیست . آری پندار آدمی است که خالقی با چنین صفاتی ایجاد می‌کند در حالیکه ما و راه عالم خیال و ذهن ، در عالم خارج موجودی عالم ، قادر و مرید و مدبر و خالق وجود ندارد ! آنها می‌گویند :

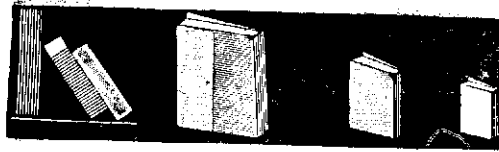
عقیده بوجود خدای یگانه و مدبر و . . . که معتقدین با آن ادعا میکنند تکمیل شده عقاید بی‌اساس پبشینیان است که خورشید و آتش و درخت و بالاخره فرشتگان و ارواح را مظهر کامل خدای جهان می‌دانستند و پرستش آنها می‌پرداختند و اما امروز علم پیشرفت پیدا کرده و بشر بر قوای طبیعت مسلط شده و ضعف و سستی جای خود را بقوت و تحقیق داده است و در اثر تحقیقات علماء روشن شده است که در عالم مادی هر پدیده مادی علت مادی لازم دارد و از اینرو وجود خدای نامرئی و عالم وقادر و مدبر ، از روی علم و دانش تأیید نمی‌گردد !

در جواب این توهم باید گفت : این توهم نیز پنداری بیش نیست ، زیرا حوادث مادی معلول يك سلسله علل و اسباب قریب و بعید است که پشت سر هم در عالم آفرینش تحقق پیدا می‌کند و می‌توان در اثر تحقیقات و مطالعات ، بعضی از آنها را با علل و اسباب مادی توجیه نمود .

علماء مادی که بنبراز تجربه و مشاهده و حس بهیچ طریق مطالعه‌ای اعتمادی ندارند از توجیه بسیاری از حوادث مادی عاجزند . چنانکه علم ثابت کرده است که رشد و نمود درختان از مواد غذایی موجود در زمین است و هم چنین ثابت شده است که قوه و استعداد موجود در زمین برای پرورش دادن گیاهان از اشعه تابناک خورشید سرچشمه می‌گیرد .

در مقابل این معلومات بشری خیلی از حقایق و سوالات وجود دارد که علم هنوز پرده از

روی اسرار آنها بر نداشته است . مثلاً این آثار اعجاب آمیز خورشید از چیست ؟ آیا از ماده اولیه



کتابخانه

مکتب اسلام

## کتابهای تازه

در این بخش کتابهای جدیدالانتشاری که از ط. ف مؤلفین یا ناشرین بکتابخانه مکتب اسلام میرسد معرفی میشوند بدون آنکه اظهار نظر و بحث و انتقادی درباره آنها بعمل آید. کتابها بترتیب وصول معرفی شده و اسم مؤلف یا مترجم بدون هیچگونه عنوان و لقبی ذکر خواهد شد. رسید کتابهاییکه از طرف دوستان و خوانندگان محترم بکتابخانه ارسال میشود، مستقیماً بخود آنها ارسال میگردد.

(۱) DER KORAN : (Das heilige Buch des Islam) چاپ مونیخ - آلمان با مقدمه‌ای از Dr. I. w - winter ، جیبی ۵۰۶ صفحه (ترجمه قرآن بزبان آلمانی ، با توضیحاتی مختصر در پاورقیها) (۱).

(۱) با اینکه در این فصل از اظهار نظر درباره کتابها خودداری میکنیم ، ولی ضروری است توضیح دهیم این ترجمه قرآن که شماره ۵۲۱ و ۵۲۲ انتشارات گلدهن چاپ شده ، طبق اظهار نظر مطلعین دارای اشتباهاتی است شاید بهترین ترجمه‌های قرآن مجید بزبان آلمانی ترجمه مکس هنینگ Max Henning میباشد .

یا پیدا شده ؟ اگر گفته شود از ماده اولیه پیدا شده باز سؤال می‌کنیم: ماده اولیه چیست ؟ آیا تراست یا چیز دیگر ؟ آیا اتر نیز نوعی از ماده است یا چیز دیگری است ؟ اتر نیز حقیقتی است از حقایق که بتوان تمام موجودات متنوع را با آن تحلیل نمود یا نه ؟ بفرض اینکه حقیقت داشته باشد می‌گوئیم خود اتر از کجا پیدا شده و چگونه وجود پیدا کرده و کی او را ایجاد نموده است ، زنده است یا بیجان ؟

علماء مادی از جواب دادن باین سؤالات عاجزند زیرا در تحقیق این گونه مسائل وسیله‌ای غیر از طریق حس و مشاهده ندارند و بدیهی است که حس و مشاهده که طریق تحقیق پدیده‌های طبیعی می‌باشد در تحقیق مسائل عقلی غیر مادی سودی ندارد ولی میدان بحث در این گونه مسائل برای الهیون و علمائی که تکیه بر عقل و حکم عقل نیز دارند وسیع بوده و فقط وظیفه آنها است که در این امور اظهار نظر کنند .

بقیه در شماره آینده